

Investigating the Effectiveness of the Spreading of the Mainstream Flow of the Mainstream Media in the Arab Revolutions

Hadi Ebrahimi Kiapei*

Associate Prof, Department of Industrial Management , Member of the faculty of the IRIB, Ebrahimih56@yahoo.com

Ardeshir Zabolizadeh

Assistant Prof, Department of Industrial Management , Member of the faculty of the IRIB, azmmf9432@gmail.com

Abstract

Objective: The present paper examines the concept of cyanide in the framing of protest events in Arab countries and seeks to recognize the differences and similarities between anti-transition networks (Prestige and Algiers [and the mainstream] of the CNN and the BBC World) in highlighting and framing the protests of the Egyptian, Libyan, and Bahraini people.

Methods: To achieve the research objectives, content analysis method was used. The sampling method is a multi-stage probabilistic research that eventually from each network and for each event selects and encodes 48 hours (2 statistical days) and 24 days for all events.

Results: The findings show that although the main flow and the anti-flow are very different from each other in terms of prioritization of the issues, the difference between the mainstream and the counter-current flow is essentially due to the difference between the networks.

Conclusion: In general, the behavior of anti-circular news networks in general frameworks is largely influenced by mainstream networks, but in specific frameworks it can not be said with certainty about the effect or the lack of effect of the mainstream on the counterpart, but rather combination of factors such as media policies, ownership structure and, with a higher degree of certainty, the approach of the countries of origin of the networks to influence the way of covering the event.

Keywords: Framing, Mainstream News Networks, Anti-Transition News Networks, Cannabis, Arab Protest Developments

بررسی اثرپذیری جریان ضد اصلی رسانه‌ای از جریان اصلی رسانه‌ای در انقلاب‌های عربی

هادی ابراهیمی کیاپی*

نویسنده مسئول، استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه صدا و سیما Ebrahimih56@yahoo.com

اردشیر زاپلی زاده

دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه صدا و سیما azmmf9432@gmail.com

چکیده

هدف: مقاله حاضر، مفهوم سی‌ان‌زدگی را در چهارچوب‌بندی رویدادهای اعتراضی کشورهای عربی به آزمون می‌گذارد و به دنبال شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌های شبکه‌های ضدجریان (پرس‌تی‌وی و الجزیره) و جریان اصلی (سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی ورلد) در برجسته‌سازی و چهارچوب‌بندی اخبار اعتراضات مردم مصر، لیبی و بحرین است. **روش:** برای رسیدن به اهداف تحقیق روش تحلیل محتوا مورد استفاده قرار گرفت. روش نمونه‌گیری تحقیق احتمالی چندمرحله‌ای است که درنهایت از هر شبکه و برای هر رویداد ۴۸ ساعت (۲ روز آماری) و برای تمام شبکه‌ها ۲۴ روز انتخاب و کدگذاری شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچند جریان اصلی و ضدجریان به لحاظ در اولویت قرار دادن مسائل بسیار با یکدیگر متفاوت‌اند، اما تفاوت میان جریان اصلی و ضدجریان در اصل ناشی از تفاوت میان شبکه‌هاست. **نتیجه‌گیری:** به‌طورکلی می‌توان گفت، رفتار شبکه‌های خبری ضدجریان در چهارچوب‌های عام تا حد زیادی متأثر از شبکه‌های جریان اصلی است، ولی در چهارچوب‌های خاص نمی‌توان با قاطعیت در مورد تأثیر یا عدم تأثیر جریان اصلی بر ضدجریان سخن گفت، بلکه ترکیبی از عوامل چون خط‌مشی‌های رسانه‌ای، ساختار مالکیت و نیز با درجه تعیین‌کنندگی بیشتر، رویکرد کشورهای مبدأ شبکه‌ها در نحوه پوشش رویداد اثرگذارند.

واژگان کلیدی: چهارچوب‌بندی، شبکه‌های خبری جریان اصلی، شبکه‌های خبری ضدجریان، سی‌ان‌زدگی، تحولات اعتراضی کشورهای عربی.

مقدمه

اهمیت یافتن شبکه‌های خبری از یک سو و کاهش هزینه‌ها به واسطه دیجیتال شدن ارتباطات از سوی دیگر باعث تعدد و تنوع شبکه‌های خبری ۲۴ ساعته شد؛ به طوری که اکنون علاوه بر مؤسسات رسانه‌ای عظیمی چون بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان و امثال این‌ها، کشورهای درحال توسعه نیز برای شکستن انحصار خبری کشورهای شمال اقدام به تأسیس شبکه‌های خبری ۲۴ ساعته کرده‌اند. ظهور الجزیره در سال ۱۹۹۶ و پرس‌تی‌وی در سال ۲۰۰۷ نمونه‌هایی از تلاش برای ایجاد جریان خبری متفاوت با جریان اصلی به شمار می‌روند. بعضی از محققان با الهام از تعبیر «دهکده جهانی» مک لوهان ظهور این شبکه‌ها را به واسطه خبرهای فوری و گردآوردن انبوهی از مخاطبان در گوشه و کنار دنیا به منزله ایجاد نوعی «فضای عمومی جهانی» تعبیر کرده‌اند و گفته‌اند دیگر نمی‌توان این عرصه را با یک جریان اصلی خبر و اطلاعات شبکه‌های غربی از شمال به بقیه دنیا توصیف کرد، زیرا اکنون ضدجریان با جریان اصلی نیز به وجود آمده است (Rai & Cottle, 2007). در مقابل این دیدگاه خوش‌بینانه، دسته دیگر همچنان معتقد به هژمونی و برتری شبکه‌های غربی در عرصه خبر و جریان اطلاع‌رسانی هستند. از نظر این افراد، این شبکه‌های غربی هستند که دستور کار رسانه‌های خبری کشورهای جنوب را تعیین می‌کنند. کشورهای جنوب سعی می‌کنند هم در محتوا و موضوعات خبری و هم در انتخاب فرم و شکل اجرا و ارائه تا سر حد امکان نحوه برنامه‌سازی خود را به شبکه‌های خبری کشورهای غربی نزدیک کنند. حتی اگر شبکه‌های خبری جنوب دیدگاه‌های متفاوتی نیز داشته باشند، موضع آن‌ها انفعالی و در واکنش به شبکه‌های غربی جریان اصلی است. این ادعا نیز مطرح شده که علاوه بر تبعیت شبکه‌های خبری جنوب از دستور کاری شبکه‌های خبری غربی، این تأثیرپذیری حتی در نحوه گزارش‌دهی رویدادها - چهارچوب بندی اخبار - نیز وجود دارد. توسو از این پدیده به «سی‌ان‌ان‌زدگی» خبر تلویزیونی یاد می‌کند. به باور توسو (۲۰۰۳) سی‌ان‌ان‌زدگی در اخبار تلویزیونی با هدایت امریکا و دیگر شبکه‌های خبری غربی نظیر سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی در حال رخ دادن است و این امر به شکل‌گیری نوعی برجسته‌سازی در بازار اخبار جهانی می‌انجامد که بر اساس آن رسانه‌های کوچک و منطقه‌ای، محتوای رسانه‌های بزرگ و شاخص را زیر نظر گرفته، رصد کرده و برنامه‌های خود را بر اساس آن الگو تولید می‌کنند (Wahl-Jorgensen & Hanitzsch, 2008, 344). در چنین حالتی کانال‌های خبری منطقه‌ای، ژورنالیسم و روزنامه‌نگاری جهانی شده به سبک که به شکل فزاینده‌ای ساختار و محتوای اخبار را در جهان به سوی همگن‌شدگی و یکسانی پیش می‌برند.

انقلاب اسلامی در مقابل این جریان اصلی رسانه‌ای حوزه‌ای با عنوان «ضد جریان اصلی رسانه‌ای» خلق کرد. این ضد جریان توانست قدرت نفوذی بالایی در مختل کردن نظام رسمی

ارتباطات جریان اصلی داشته باشد و درصدد است تا توانایی قدرت فرسایش سلطه جریان اصلی را پیدا کند.

این مسئله، به خصوص در مورد رویدادهایی مطرح است که موضع‌گیری شبکه‌های خبری جنوب و شمال در تقابل آشکار با یکدیگر قرار می‌گیرند. تحولات کشورهای عربی موسوم به «بهار عربی» از این دسته‌اند که از سویی تمام کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را به‌نوعی تحت تأثیر خود قرار داده‌اند و از سوی دیگر، قدرت‌های غربی در آن‌ها نقش نسبتاً فعالی ایفا کرده‌اند. بنابراین، از سویی با تکیه بر دیدگاه گروه اول می‌توان انتظار داشت نحوه برخورد رسانه‌های جنوب متفاوت از رسانه‌های جریان اصلی باشد و از سوی دیگر با توجه به دیدگاه گروه دوم می‌توان تصور کرد برجسته‌سازی رویدادهای اعتراضی در شبکه‌های ضدجریان تا حد زیادی به شبکه‌های جریان اصلی نزدیک باشد.

پیشینه پژوهش

برخی از پژوهش‌های خارجی قرابت‌هایی با موضوع مقاله حاضر دارند که در ادامه به مرتبط‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

ادی و همکارانش (۲۰۰۵)، چهارچوب‌های خبری پنج شبکه امریکایی و الجزیره را در پوشش جنگ عراق مورد بررسی قرار دادند تا گزارشی از تحلیل میان فرهنگی پوشش تلویزیونی جنگ ۲۰۰۳ عراق ارائه دهند. یافته‌های این پژوهش همچنین حاکی از آن بود که پوشش انتقادی الجزیره بر تلفات غیرنظامی تأکید داشت؛ درحالی‌که شبکه‌های امریکایی تمام توجه خود را به داستان‌های خبری درباره تلفات نیروهای امریکایی یا بریتانیایی اختصاص داده بودند. در این میان، تلفات نیروهای عراقی و تلفات شهروندان بی‌دفاع، تقریباً به‌طور کامل در نمایش‌های سی-ان‌ان و فاکس‌نیوز غایب بودند.

در پژوهشی دیگر، جو وون پارک (۲۰۰۳) با استفاده از سه چهارچوب خاص همکاری/برخورد، همکاری/رقابت و دموکراسی/هرج‌ومرج به بررسی چهارچوب‌های تلویزیونی ایالات متحده در پوشش اخبار کره و ژاپن پرداخته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که اقتصاد ژاپن در رسانه‌های امریکایی به‌عنوان رقیبی جدی و اقتصاد کره عموماً با عناوینی مانند همکاری چهارچوب‌بندی شده است. همچنین، شبکه‌های خبری امریکایی اعتراض‌ها و تظاهرات رخ‌داده در کره را در قالب نوعی هرج‌ومرج و اعتراض‌ها و تظاهرات کشور ژاپن را در چهارچوب دموکراسی پوشش داده‌اند.

به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، پژوهش سونگ (۲۰۰۷) نقش سرویس‌های خبری آنلاین را با نقش روزنامه‌های جریان اصلی در بسط واکنش‌ها به مرگ دو دختر مدرسه‌ای کره‌ای به وسیله یک اتومبیل نظامی ایالات متحده - که منجر به اعتراضات گسترده ضد امریکایی در طول سال ۲۰۰۲ در کره جنوبی شد - مقایسه می‌کند. نتایج این پژوهش نشان داد که دو سرویس آنلاین و هنکیوره

اعتراضات عمومی را به‌عنوان «قدرت مردم» و «تماشاچی‌های حمایت‌کننده» چهارچوب‌بندی کردند. در مقابل، روزنامه چوسون اعتراضات را در قالب «قانون و نظم» چهارچوب‌بندی کرد و روزنامه جونگ‌آنگ از چهارچوب «قانون و نظم» با فراوانی کمتر در مقایسه با چوسون و با فراوانی بیشتر در مقایسه با هنگیوره و دو سرویس آنلاین استفاده کرد.

یافته‌های پژوهش کمج (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای در خصوص خبرگزاری‌های آسوشیتدپرس، رویترز، فرانس پرس و اینتارتاس، دوام چهارچوب‌های خبری بین ملت‌ها در طی زمان مذاکرات بحران کوزوو حاکی از آن است که خبرگزاری‌های بین‌المللی به‌هنگام چهارچوب‌بندی اخبار بین‌المللی، بسیار تحت تأثیر عوامل رویدادمحور هستند، اما بررسی چهارچوب‌های عام به کار گرفته‌شده توسط خبرگزاری‌ها نشان می‌دهد که خبرگزاری‌های بین‌المللی - با وجود ریشه‌های ملی متفاوت خود - زمانی که درباره بحران کوزوو گزارش می‌دادند، طبق الگوی مشابهی از چهارچوب‌های عام استفاده کردند.

وجه مشترک این پژوهش‌ها استفاده همگی آن‌ها از مفهوم چهارچوب‌بندی برای بررسی پوشش خبری رسانه‌هاست. در پژوهش‌هایی از این دست، محقق در انتخاب چهارچوب‌ها یا ساختن آن‌ها از آزادی عمل نسبی برخوردار بوده و می‌تواند هم‌زمان ترکیبی از چهارچوب‌های عام و خاص را برای دستیابی به مقصود خود به کار بندد.

سؤال و فرضیه پژوهش

مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که چهارچوب‌بندی اخبار اعتراضات مردم مصر، لیبی و بحرین در شبکه‌های پرس‌تی‌وی و الجزیره، به‌مثابه ضدجریان، چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با چهارچوب‌بندی اخبار در شبکه‌های خبری سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی انگلیسی، به‌عنوان شبکه‌های جریان اصلی دارد؟

همچنین با توجه به پرسش مطرح‌شده، می‌توان فرضیه تحقیق را به صورت زیر مطرح کرد: «با وجود تفاوت در نظام مالکیت و ایدئولوژی، شبکه‌های ضدجریان (پرس‌تی‌وی و الجزیره) در چهارچوب‌های عام (ویژگی‌های کلی پوشش) از شبکه‌های جریان اصلی تبعیت می‌کنند و در مقابل در چهارچوب‌های خاص (موضوع محور) با شبکه‌های جریان اصلی تفاوت دارند.»

چهارچوب نظری

تعریف مفاهیم

الف- چهارچوب‌بندی

این مقاله بر نظریه چهارچوب‌بندی و مفهوم سی‌ان‌ان‌زدگی استوار است. طبق نظریه چهارچوب‌بندی، رسانه‌ها با نادیده گرفتن یا برجسته کردن برخی از ابعاد یک رویداد، چهارچوب خود را برای برجسته‌سازی آن رویداد شکل می‌دهند. فرایند چهارچوب‌بندی در اتاق خبر رسانه‌ها، ریشه در عواملی دارد که ایدئولوژی و نظام ارزشی‌ای که کارکنان اتاق خبر در خود

درونی کرده‌اند، عوامل ساختاری مؤثر بر اتاق خبر نظیر الزامات مالکیت رسانه‌ها و خط‌مشی‌های سردبیری از مهم‌ترین آن‌ها هستند. در این تحقیق چهار شبکه خبری بین‌المللی ۲۴ ساعته به‌عنوان شبکه‌های خبری معرف شمال و جنوب انتخاب شده‌اند که به لحاظ عوامل مؤثر بر چهارچوب‌بندی متفاوت‌اند.

الگوی نظری تحقیق (عوامل مؤثر بر ساخت چهارچوب‌های خبری شبکه‌های جریان اصلی و ضد جریان اصلی)

در این مقاله، ابتدا مقایسه ویژگی‌های کلی شبکه‌ها مدنظر است. این فرض وجود دارد که شبکه‌های مورد بررسی، به دلیل قرار گرفتن در دو گروه کلی جریان اصلی و ضدجریان به لحاظ شاخص‌های کلی پوشش، با یکدیگر متفاوت‌اند. از سوی دیگر، سی‌ان‌ان زدگی به جای تمایز بر تبعیت شبکه‌های ضدجریان از جریان اصلی رسانه‌ای تأکید می‌کند. مقایسه این شاخص‌ها می‌تواند رویکرد کلی شبکه‌ها را نسبت به رویدادهای اعتراضی کشورهای عربی آشکار سازد. برای شناسایی ویژگی‌های متمایز پوشش در این شبکه‌ها از چهارچوب خاص لیبرال‌دموکراسی/بیداری اسلامی استفاده می‌شود و هدف از آن دستیابی به پاسخ این پرسش است که معترضان از اعتراضات خیابانی و درگیری با نیروی دولتی چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟ به عبارت بهتر هر یک از شبکه‌های مورد بررسی چه بخشی از مطالبات معترضان را چهارچوب‌بندی می‌کنند؟

در حوزه ارتباطات، مفهوم چهارچوب نخستین بار توسط گیتلین و گیتاچمن برای بررسی چگونگی بسته‌بندی و ارائه کارآمد اخبار رسانه‌ای توسط روزنامه‌نگاران به کار رفت. مینسکی، چهارچوب را ساختاری می‌داند که حاوی قسمت‌های مختلف اطلاعاتی است. این ساختارهای ذهنی یا استدلالی ارتباط تنگاتنگی با توصیف طرح کلی دارد. همچنین می‌افزاید رسانه‌ها سهم عمده‌ای در ساخت و شکل‌گیری این طرح‌های کلی و الگوها دارند (Ruigrok & Van Atteveldt et al, 2007, 71).

انتمن چهارچوب‌بندی را «انتخاب برخی جنبه‌های یک واقعیت درک شده و برجسته کردن آن‌ها در یک متن ارتباطی تعریف می‌کند به‌نحوی که تعریف خاصی از مسئله، تفسیر علی، ارزیابی اخلاقی و راه‌حل‌های پیشنهادی برای آن موضوع را بسط دهد» (Entman, 2008, 390; Buist & Mason, 2010, 1495). بر اساس نظر انتمن، چهارچوب‌هایی که رسانه‌ها به کار می‌گیرند، قضاوت‌های اخلاقی را از طریق تعریف مسائل و مشکلات در جامعه و تشخیص دلایل آن منتقل می‌کنند (Entman, 2008, 390)؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که حاوی حدی از سوگیری و متأثر از خط‌مشی رسانه‌ای هستند.

از نظر گیتلین (۱۹۸۰) عوامل مختلفی بر چگونگی چهارچوب‌بندی موضوعات از سوی روزنامه‌نگاران تأثیر می‌گذارد که هنجارهای اجتماعی و فشارهای سازمانی از جمله آن‌ها هستند

(Buist & Mason, 2010, 1495). الگوهای فردی گزارشگران و ویراستاران، برنامه کاری و شیوه‌های روزنامه‌نگاری، ارزش‌های فرهنگی و نیروهای سیاسی اجتماعی؛ زمینه انتخاب چهارچوب‌های رسانه‌ای را فراهم می‌آورند (Dimitrova & Kaid, 2005, 26). زمانی که موضوعات از اهمیت بین‌المللی برخوردارند چهارچوب‌ها ممکن است تحت تأثیر دستور کاری که توسط شبکه‌های دیگر تعیین می‌شوند یا در واکنش به آن‌ها ساخته شوند.

ب- چهارچوب‌بندی عام و خاص

با توجه به عواملی که در ساخته شدن چهارچوب‌ها اثرگذارند، می‌توان چهارچوب‌ها را در اخبار شناسایی کرد. چهارچوب‌ها از تنوع بسیار زیادی برخوردارند؛ بنابراین، می‌توان بر همین اساس دسته‌بندی جدیدی از چهارچوب‌ها ارائه داد و چهارچوب‌ها را به دو گروه اصلی موضوع‌محور و عام تفکیک کرد.

چهارچوب‌های موضوع‌محور بر رویدادهای خاص با آزمون تمام جزئیات آن از طریق یک رویکرد کیفی تمرکز دارد (Camaj, 2010, 637). رویکرد موضوع‌محور به پژوهش در خصوص چهارچوب‌بندی اخبار، سطح دقت بالا و جزئیات مرتبط با رویداد یا موضوع در دست بررسی را موجب می‌شود (De Vereese, 2005, 55). در مقابل، چهارچوب‌های خبری عام، چهارچوب‌هایی هستند که به لحاظ مفهومی گسترده‌ترند و می‌توان آن‌ها را برای موضوعات خبری مختلف و در زمینه‌های فرهنگی متفاوت به کار گرفت (Camaj, 2010, 637). به طوری که با کمک چنین ابزارهایی می‌توان فارغ از موضوعی که در رسانه‌ها مطرح شده، چهارچوبی کلی برای ارائه محتوا در هر رسانه‌ای مشخص کرد.

شانتو اینگار دو چهارچوب رسانه‌ای عمده را بسط می‌دهد که آن‌ها را چهارچوب‌های ایزودیک و تماتیک (رویداد‌محور و فرایند‌محور) می‌نامد (Iyengar, 2005, 6). چهارچوب‌های ایزودیک ارجاعاتی به رویدادهای خبری منفرد هستند، بدون آنکه زمینه و متن وسیع‌تری پدید آورند. چهارچوب‌های ایزودیک تنها نمایش‌گذار رویدادهای خاص هستند. (Dimitrova & Kaid, 2005, 26)

سمتکو و ولکنبرگ نیز، چهارچوب‌هایی را که در مطالعات پیشین شناخته شده بودند، ترکیب کردند و یک چهارچوب عام دارای پنج شاخص به وجود آوردند - برخورد، مسئولیت، علائق انسانی، پیامدهای اقتصادی و اخلاق - که ابزار قابل اتکایی برای بررسی عوامل مختلفی است که بر انتخاب چهارچوب‌ها اثر می‌گذارد (Ibid). آن‌ها این چهارچوب را در سال ۲۰۰۰ برای شناسایی چهارچوب‌های به‌کاررفته در پوشش خبری تلویزیون و مطبوعات از سیاست‌های اروپایی مورد بحث در اجلاس سران اتحادیه اروپا - که شانزدهم و هفدهم ژوئن ۱۹۹۷ در آمستردام هلند برگزار شد - به کار بردند (Semetko & Valkenburg, 2000) پس از این پژوهش، چهارچوب‌های عام سمتکو و ولکنبرگ مقبولیت عام یافتند و برای بررسی چهارچوب‌های مورد استفاده در پوشش‌های خبری به کار رفتند.

به نظر می‌رسد با استفاده از این دو چهارچوب، بتوان تصویری چندبعدی از پوشش تحولات اعتراضی سه کشور مصر، لیبی و بحرین به دست آورد که به درک فرایند چهارچوب‌بندی رسانه‌ای تحولات اعتراضی کمک شایانی می‌کند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

زمانی که محمد البوعزیزی تونسوی در آخرین روزهای سال ۲۰۱۰ خود را به آتش می‌کشید، شاید هرگز گمان نمی‌برد که این آتش، دامن رئیس‌جمهور کشورش و بسیاری از حکام خودکامه عرب را خواهد گرفت، اما اکنون پس از گذشت چند سال از آن واقعه بسیاری از ملل عرب به خیابان‌ها آمده، بنیان حکومت‌های چند ده‌ساله خود را به لرزه درآورده و به تعبیر دیدوش و دان (۲۰۱۱، ۱۳۲)، «لحظه بی‌ظنری در تاریخ» خلق کرده‌اند. این در حالی است که پیش‌تر، ملت‌های عرب به‌عنوان ساکت‌ترین و کم‌اعتراض‌ترین ملت‌های جهان شناخته می‌شدند. میزان اثرگذاری رسانه‌ها در این انقلاب‌ها به‌اندازه‌ای بود که از آن به‌عنوان «انقلاب رسانه‌ها» نیز یاد می‌شود؛ بنابراین، حضور رسانه‌ای قدرتمند در جریان بیداری اسلامی به‌ویژه برای جمهوری اسلامی ایران که تلقی و باور متفاوتی از کشورها و رسانه‌های غربی نسبت این انقلاب‌ها داشت، حائز اهمیت بسیار بود.

روش تحقیق

برای شناسایی چهارچوب‌ها در شبکه‌های خبری مورد بررسی از تحلیل محتوای کمی استفاده شده است. استفاده از این روش در مطالعاتی که درباره تحلیل چهارچوب‌های محتوای رسانه‌ها انجام شده، بسیار متداول است. چهارچوب عام که برای شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های چهار شبکه در کلیات به کار گرفته شد، چهارچوب سمتکو و ولکنبرگ است که از پنج چهارچوب عام «نسبت دادن مسئولیت»، «علاقه انسانی»، «برخورد»، «پیامدهای اقتصادی» و «اخلاقی» تشکیل شده است. نسبت دادن مسئولیت، چهارچوبی است که بر نسبت دادن مسئولیت یک مشکل به یک شخص، نهاد یا دولت تأکید می‌کند. چهارچوب علاقه انسانی با تأکید بر مردمی که تحت تأثیر موضوع قرار گرفته‌اند یا خواهند گرفت، وجه انسانی به گزارش‌ها می‌دهد. چهارچوب برخورد، چهارچوبی است که با تأکید بر تضاد میان دو گروه، نهاد یا ایدئولوژی بر ماهیت تعارضی یک موضوع صحنه می‌گذارد. چهارچوب پیامدهای اقتصادی؛ رویدادها/موضوعات را به لحاظ پیامدهایی که بر مردم یا نهادها دارند، گزارش می‌دهد. چهارچوب اخلاقی بر جنبه مذهبی و اخلاقی رویداد/موضوع/مشکل تأکید می‌کند. چهارچوب‌های خاص، موضوع‌محورد و بر رویدادهای خاص تمرکز می‌کنند و جزئیات تفصیلی آن‌ها را به آزمون می‌گذارند. (Camaj, 2010, 637).

جهت دستیابی به چهارچوبی که هر یک از شبکه‌ها برای برجسته‌سازی مطالبات معترضان به کار برده بودند، از چهارچوب‌های محقق ساخته لیبرال دموکراسی و بیداری اسلامی استفاده شد که با

انجام یک مطالعه اکتشافی، از درون مضامین اصلی دربردارنده خواست مخالفان/معترضان استخراج شد. چهارچوب بیداری اسلامی بر خواست‌ها و مطالبات اسلامی معترضان، نمادهای اسلامی یا اقدامات گروه‌های اسلام‌گرا و نشان دادن ماهیت منفی رفتار امریکا/غرب در رویدادهای اعتراضی مبتنی است. چهارچوب لیبرال‌دموکراسی نیز برای سنجش آن دسته از خواست‌ها و مطالبات معترضان که بر مبنای حقوق لیبرالی استوار است، به کار می‌رود. به فراخور نیاز، جامعه آماری این پژوهش چهار شبکه خبری انگلیسی‌زبان از چهار کشور انتخاب شده است. با توجه به ویژگی‌های شبکه‌ها، دو شبکه سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی به‌عنوان نماینده شبکه‌های خبری غربی (به‌عنوان جریان اصلی) و الجزیره به‌عنوان نماینده شبکه‌های خبری منطقه‌ای انتخاب شده‌اند و شبکه پرس هم به‌عنوان شبکه منطقه‌ای و هم به‌عنوان شبکه متعلق به جمهوری اسلامی ایران و هدف تحقیق انتخاب شده است.

روش اثبات فرضیه

برای اثبات فرضیه، ابتدا دوره زمانی مربوط به هر یک از رویدادها مشخص می‌شود. این دوره زمانی از نقطه آغاز هر رویداد تا پایان آن (خارج شدن کشور از وضعیت انقلابی یا جنگ داخلی) را دربرمی‌گیرد. چهارچوب نمونه‌گیری این تحقیق از آغاز دوره ۱۸ روزه اعتراضات مردم مصر (از شروع تا کناره‌گیری مبارک از قدرت) تا ۳۱ خرداد ۱۳۹۰ را دربرمی‌گیرد. انتخاب ۳۱ خرداد به‌عنوان نقطه پایان محدودیت زمانی پژوهش است و در حقیقت محقق مجبور شد برای شروع کار خود، بررسی را محدود به این دوره کند.

حساس‌ترین مقاطع تحولات اعتراضی طی دوره زمانی مورد بررسی شناسایی شدند. این مقطع برای مصر دوره ۱۸ روزه اوج انقلاب تا کناره‌گیری مبارک از قدرت بود، برای لیبی آغاز حمله ناتو در ۱۹ مارس و برای بحرین ورود نیروهای نظامی شورای همکاری خلیج فارس به بحرین برای مشارکت در سرکوب معترضان به‌عنوان مقاطع حساس برگزیده شدند. غیر از مورد مصر که به دلیل موفقیت انقلاب آن، می‌توان بررسی را محدود به دوره ۱۸ روزه انقلابی کرد، در دو کشور دیگر یک دوره زمانی یک‌ماهه (دو هفته قبل و دو هفته بعد از نقطه عطف مورد اشاره در سطور پیشین) برای تحلیل انتخاب شد.

به‌این ترتیب ۲۵ ژانویه تا ۱۲ فوریه برای مصر، ۵ مارس تا دوم آوریل برای لیبی و اول تا ۲۸ مارس برای بحرین به‌عنوان چهارچوب نمونه‌گیری برگزیده شدند. در ادامه با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده دو هفته آماری از میان روزهای قرارگرفته در دوره یک‌ماهه انتخاب شدند.

درنهایت از دو هفته آماری مورد بررسی، دو روز آماری تشکیل شد به این معنا که از هر یک از روزهای موجود در نمونه ۳ ساعت و ۲۵ دقیقه انتخاب شد به‌نحوی که بتوان در یک روز آماری تمام برنامه‌های یک شبکه خبری (۲۴ ساعت) را پوشش داد. برنامه‌های چهار شبکه مورد بررسی،

در روزهای منتخب به طور هم‌زمان ضبط شدند و تمام اخبار مرتبط با هر یک از رویدادها کدگذاری و تحلیل شدند.

یافته‌های تحقیق

نمونه‌های انتخاب شده به صورت کمی تحلیل محتوا شدند و چهارچوب‌های مربوط به پوشش هر یک از شبکه‌ها از رویدادهای سه‌گانه استخراج شدند. ضمن آنکه تحلیل داده‌ها، علاوه بر یافته‌های تبیینی حاوی داده‌های توصیفی نیز بود که شناخت لازم را نسبت به زمینه و موضوع مورد مطالعه فراهم کرد که عمده‌ترین آن‌ها به شرح زیرند:

نتایج حاکی از آن است که از مجموع ۳۶۳۳ مطلب، الجزیره با ۳۱/۷ درصد (۱۱۵۲ مطلب) بیشترین، و بی‌بی‌سی با ۲۰ درصد از مطالب (۷۲۸ مطلب) کمترین سهم را در نمونه مورد بررسی داشته‌اند.

در بین سه کشور مورد بررسی، مصر با ۵۰/۸ درصد (۱۸۴۴ مطلب) از کل مطالب، بیشترین توجه را از سوی چهار شبکه مورد بررسی به خود اختصاص داده و بحرین با ۱۶/۱ درصد (۵۸۵ مطلب)، کمترین توجه را به خود جلب کرده است.

بر اساس یافته‌ها، چهارچوب برخورد، در تمام شبکه‌ها بیش از دیگر چهارچوب‌ها به کاررفته است. چهارچوب نسبت دادن مسئولیت و اخلاقی در رده‌های بعدی اهمیت قرار دارند. پیامدهای اقتصادی، چهارچوبی است که کمتر از همه چهارچوب‌ها مورد توجه است.

چهارچوب لیبرال دموکراسی با اختلاف فاحش نسبت به چهارچوب بیداری اسلامی در مطالب چهار شبکه مورد بررسی غلبه پیدا کرده است. به این معنا که هر چهار شبکه مطالبات معترضان در کشورهای لیبی، مصر و بحرین را بیشتر در چهارچوب لیبرال دموکراسی به تصویر کشیده‌اند. همچنین یافته‌های تبیینی نشان دادند، رابطه معناداری بین دو متغیر جریان‌های خبری و تعداد مطالب مربوط به هر یک از رویدادهای اعتراضی وجود دارد؛ در واقع هر دو جریان خبری بخش عمده توجه خود را ابتدا به مصر و لیبی و پس از آن به بحرین معطوف داشته‌اند. پوشش مصر در هر دو جریان تقریباً نیمی از مطالب ارائه شده طی دوره مورد بررسی را شامل می‌شود، ولی در پوشش لیبی و بحرین تفاوت زیادی بین دو جریان وجود دارد. بحرین در پوشش خبری شبکه‌های جریان اصلی سهم اندکی (۶/۹ درصد) دارد، در مقابل شبکه‌های ضد جریان نسبت فراوانی از پوشش خود (۲۱ درصد) را به بحرین اختصاص داده‌اند و با توجه به هم‌زمانی رویدادها در بحرین و لیبی از پوشش خبری ضد جریان در بحران لیبی کاسته شده است. البته بین دو شبکه ضد جریان هم به لحاظ پوشش رویدادها تفاوت وجود دارد. در حقیقت این شبکه پرس است که در تعداد مطالب خود تفاوتی آشکار با سه شبکه دیگر دارد و الجزیره از این نظر بیشتر به شبکه‌های جریان اصلی نزدیک است. در رویدادهای بحرین بیش از سه شبکه دیگر

مطلب پخش کرده است و در رویدادهای لیبی بی‌بی‌سی و در رویدادهای مصر الجزیره بیشترین مطلب را پخش کرده‌اند.

تفاوت میانگین جریان‌های خبری در چهارچوب‌های عام

در مورد چهارچوب‌های عام، یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای کمی نشان می‌دهد، پرکاربردترین چهارچوب بین شبکه‌های هر دو جریان خبری، چهارچوب برخورد است. جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که تفاوت میان شبکه‌های جریان اصلی و ضدجریان در چهارچوب برخورد (مقدار T به میزان ۸۵۳/۴)، علایق انسانی و پیامدهای اقتصادی معنادار است.

جدول ۱. تفاوت میانگین جریان‌های خبری از نظر شاخص چهارچوب‌های عام

جریان‌های خبری	تعداد	نسبت دادن مسئولیت	چهارچوب علایق انسانی	چهارچوب برخورد	چهارچوب اخلاقی	چهارچوب پیامدهای اقتصادی
شبکه‌های جریان اصلی	۱۵۷۰	۲۲/۶۹۶۳	۹/۸۸۶۶	۳۷/۹۲۶۵	۱۴/۳۵۵۴	۴/۴۹۳۹
شبکه‌های ضدجریان	۲۰۶۳	۲۲/۸۲۲۷	۸/۸۳۳۰	۳۳/۷۷۱۶	۱۵/۳۱۳۰	۲/۹۹۸۵
مقدار T		۰/۵۲۶	۲/۴۶۴	۴/۸۵۳	۰/۹۲۱-	۳/۴۴۲
سطح معناداری		۰/۵۵۹	۰/۰۱۴	۰۰۰/۰	۰/۳۵۷	۰/۰۰۱

از سوی دیگر میانگین‌ها نشان می‌دهند که رسانه‌های جریان اصلی، رویدادهای اعتراضی را عمدتاً در قالب سه چهارچوب برخورد، نسبت دادن مسئولیت و اخلاقی و سپس دو چهارچوب علایق انسانی و پیامدهای اقتصادی پوشش داده‌اند. شبکه‌های ضدجریان نیز با وجود تفاوت معنادار در سه چهارچوب از الگوی مشابهی برای اولویت‌دهی پیروی کرده‌اند.

جدول ۲. تفاوت میانگین شبکه‌های خبری از نظر شاخص چهارچوب‌های عام

شبکه‌های خبری	تعداد	نسبت دادن مسئولیت	چهارچوب علایق انسانی	چهارچوب برخورد	چهارچوب اخلاقی	چهارچوب پیامدهای اقتصادی
الجزیره	۱۱۵۲	۲۱/۵۲۷۸	۷/۷۷۱۷	۳۱/۰۷۶۴	۱۵/۹۷۲۲	۳/۵۵۹۰
پرس	۹۱۱	۲۳/۲۲۷۲	۸/۸۹۶۲	۳۵/۸۱۲۳	۱۴/۴۵۳۰	۱/۹۷۵۹
سی‌ان‌ان	۸۴۲	۲۳/۰۴۰۴	۶/۶۷۵۸	۴۵/۳۳۸۵	۱۷/۵۳۷۶	۴/۱۹۶۴
بی‌بی‌سی	۷۲۸	۲۲/۱۷۰۳	۸/۷۳۲۶	۲۸/۷۷۷۵	۱۱/۰۸۰۶	۴/۶۲۴۵
مقدار F		۱/۵۱۱	۱۷/۷۳۱	۶۲/۲۰۱	۱۰/۰۰۵	۶/۴۹۰
سطح معناداری		۰/۲۱۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

بررسی تفاوت میانگین شبکه‌ها در چهارچوب‌های عام نشان می‌دهد که تفاوت میان شبکه‌ها در چهارچوب‌های برخورد، اخلاقی، علایق انسانی و پیامدهای اقتصادی معنادار است و تنها در چهارچوب نسبت دادن مسئولیت تفاوت معناداری میان شبکه‌ها وجود ندارد. مروری بر داده‌های جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که بخش زیادی از این تفاوت بیش از آن‌که ناشی از تفاوت جریان اصلی و ضدجریان باشد، به تفاوت میان شبکه‌ها مربوط می‌شود. به‌عنوان مثال در چهارچوب علایق انسانی، بی‌بی‌سی و پرس‌تی‌وی بسیار به هم نزدیک شده‌اند و در چهارچوب برخورد و چهارچوب اخلاقی، سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی به‌عنوان رسانه‌های جریان اصلی در دو سر طیف قرار گرفته‌اند. پرس و الجزیره نیز به‌عنوان شبکه‌های ضد جریان تنها در چهارچوب اخلاقی تا حدی به یکدیگر نزدیک شده‌اند و در سایر چهارچوب‌ها نمی‌توان آن‌ها را در یک گروه جای داد.

جدول ۳. تفاوت میانگین بین رویدادهای اعتراضی و شبکه‌های مورد بررسی به لحاظ چهارچوب‌های عام

سطح معناداری	مقدار F	پرس	الجزیره	بی‌بی‌سی	سی‌ان‌ان		
۰/۰۰۰	۶۲/۳۲۴	۲۵/۶۴۴	۲۹/۳۱۳	۳۰/۱۴۹	۲۵/۷۱۴	بحرین	نسبت دادن مسئولیت
		۲۹/۹۲۳	۲۷/۹۲۳	۲۷/۵۵۲	۳۳/۵۶۹	لیبی	
		۱۳/۱۶۳	۱۴/۶۹۸	۱۶/۴۶۰	۱۵/۲۱۲	مصر	
۰/۰۰۰	۱۱/۵۴۲	۱۰/۰۳۳	۱۵/۸۷۸	۱۰/۷۴۶	۸/۳۳۳	بحرین	علایق انسانی
		۵/۷۴۱	۷/۵۱۹	۵/۱۷۵	۹/۳۸۹	لیبی	
		۷/۱۴۳	۸/۰۰۰	۷/۰۹۳	۱۴/۹۸۹	مصر	
۰/۰۰۰	۳۳/۵۹۶	۳۷/۳۷۶	۳۶/۴۵۰	۴۷/۰۱۵	۳۱/۲۵۰	بحرین	برخورد
		۴۱/۵۵۰	۳۶/۷۶۴	۳۳/۵۶۶	۳۱/۵۲۷	لیبی	
		۳۱/۴۴۱	۲۶/۴۲۹	۲۱/۸۶۷	۴۳/۶۸۰	مصر	
۰/۰۰۰	۸/۱۷۳	۱۶/۹۴۲	۲۶/۲۰۹	۱۷/۹۱۰	۱۳/۸۸۹	بحرین	اخلاقی
		۱۳/۲۷۲	۱۶/۳۶۸	۱۲/۰۰۵	۱۳/۸۲۶	لیبی	
		۱۳/۱۸۰	۱۳/۵۹۸	۹/۱۵۵	۲۰/۸۰۵	مصر	
۰/۰۰۰	۸/۶۳۷	۰/۰۱۶	۰/۰۳۱	۰/۱۴۹	۰/۰۵۹۵	بحرین	پیامدهای اقتصادی
		۰/۰۹۳	۰/۰۴۸	۰/۰۴۲	۰/۰۷۱	لیبی	
		۰/۰۷۴	۰/۱۵۹	۰/۲۱۱	۰/۱۷۷	مصر	

همچنین، مطابق داده‌های جدول ۳ هر چهار شبکه سی‌ان‌ان، بی‌بی‌سی، الجزیره و پرس‌تی‌وی درباره رویدادهای بحرین و لیبی اولویت چهارچوب‌بندی (چهارچوب‌های عام) یکسانی دارا بوده‌اند؛ این اولویت‌ها به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: ۱. برخورد؛ ۲. نسبت دادن مسئولیت؛ ۳. اخلاقی؛ ۴. علایق انسانی و ۵. پیامدهای اقتصادی، اما درباره چهارچوب‌بندی رویدادهای مصر دو اولویت‌دهی متفاوت از سوی چهار شبکه ارائه شده است؛ یکی اولویت‌دهی سی‌ان‌ان و پرس‌تی‌وی و دیگری اولویت‌دهی بی‌بی‌سی و الجزیره. اولویت بی‌بی‌سی و الجزیره در

چهارچوب‌بندی رویدادهای مصر عبارت است از: ۱. برخورد؛ ۲. نسبت دادن مسئولیت؛ ۳. اخلاقی؛ ۴. علایق انسانی و ۵. پیامدهای اقتصادی، اما اولویت‌های سی‌ان‌ان و پرس‌تی‌وی درباره رویدادهای مصر اندکی با اولویت‌های بی‌بی‌سی و الجزیره متفاوت است و عبارت است از: ۱. برخورد؛ ۲. اخلاقی؛ ۳. نسبت دادن مسئولیت؛ ۴. علایق انسانی و ۵. پیامدهای اقتصادی. در واقع اولویت چهارچوب‌بندی شبکه‌ها در رویدادهای سه کشور عربی تقریباً از یک روند کلی تبعیت می‌کند و تنها استثنا به سی‌ان‌ان و پرس در تحولات مصر مربوط می‌شود که چهارچوب اخلاقی به اولویت دوم ارتقا یافته و به جای آن چهارچوب نسبت دادن مسئولیت به اولویت سوم تبدیل شده است.

تفاوت میانگین جریان‌های خبری در چهارچوب‌های لیبرال‌دموکراسی (بیداری اسلامی خاص)

مطالعات اکتشافی حاوی این نکته بود که شبکه‌های مورد بررسی مطالبات معترضان را همچون یک طیف مطرح کرده‌اند که با دسته‌بندی آن‌ها دو چهارچوب لیبرال‌دموکراسی و بیداری اسلامی استخراج و مورد سنجش قرار گرفت. بیداری اسلامی نامی بود که شبکه‌هایی چون پرس به ماهیت مطالبات معترضان داده بودند که این چهارچوب خود از دو چهارچوب فرعی اسلامی و ضدغربی/ضدامریکایی تشکیل شده است.

اطلاعات مندرج در جدول ۴ تفاوت معنادار میان جریان اصلی و ضدجریان را در چهارچوب‌های لیبرال‌دموکراسی و بیداری اسلامی نشان می‌دهد. این تفاوت بخصوص در چهارچوب بیداری اسلامی بیشتر است. با وجود این شبکه‌های هر دو جریان، رویدادهای اعتراضی را بیشتر در چهارچوب لیبرال‌دموکراسی پوشش داده‌اند و چهارچوب بیداری اسلامی در درجه دوم اهمیت قرار گرفته است.

جدول ۴. تفاوت میانگین جریان‌های خبری از نظر شاخص چهارچوب‌های لیبرال‌دموکراسی/بیداری اسلامی

تعداد	چهارچوب لیبرال‌دموکراسی	چهارچوب بیداری اسلامی
شبکه‌های جریان اصلی	۱۵۷۰	۳/۹۴۹۰
شبکه‌های ضد جریان	۲۰۶۳	۸/۵۳۷۵
T مقدار	-۳/۸۶۶	-۱۱/۴۶۹
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

اما داده‌های جدول ۵، حکایت از آن دارد که در چهارچوب لیبرال‌دموکراسی این تفاوت بیشتر ناشی از تفاوت میان بی‌بی‌سی و دیگر شبکه‌ها و در بیداری اسلامی منتج از تفاوت پرس‌تی‌وی با سه شبکه دیگر است. در هر دو چهارچوب بیشترین میانگین به پرس و کمترین میانگین به بی‌بی‌سی تعلق دارد.

جدول ۵. تفاوت میانگین شبکه‌های خبری از نظر شاخص چهارچوب‌های لیبرال‌دموکراسی / بیداری اسلامی

تعداد	چهارچوب لیبرال دموکراسی	چهارچوب بیداری اسلامی
الجزیره	۱۲/۲۶۱۳	۵/۲۳۰۰
پرس	۱۳/۷۷۶۱	۱۲/۷۱۹۵
سی‌ان‌ان	۱۲/۵۵۹۴	۳/۹۶۳۸
بی‌بی‌سی	۷/۸۲۹۷	۳/۹۳۲۰
مقدار F	۱۳/۴۵۸	۱۱۶/۸۷۹
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

در چهارچوب بیداری اسلامی این نتیجه قابل‌درک است، زیرا پرس به‌عنوان یکی از شبکه‌های ضدجریان دارای نگاه متفاوت به رویدادهای منطقه و در چهارچوب منافع سیستم حکومتی خود مروج رویکرد آن است. به همین علت به‌تبع رهبران کشور، تحولات منطقه را در چهارچوب بیداری اسلامی برجسته می‌کند، اما در چهارچوب لیبرال دموکراسی، پیش‌افتادگی پرس از دیگر شبکه‌ها قابل‌تأمل است.

اطلاعات تفکیک‌شده جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، در مورد بحرین، بی‌بی‌سی با میانگین ۰۴۵/۱۶ بیش از سایر شبکه‌ها مطالبات معترضان را در چهارچوب لیبرال دموکراسی به تصویر کشیده است و سی‌ان‌ان با میانگین ۹۲۳/۸ در سوی دیگر طیف قرار دارد. در مورد مصر، پرستی‌وی با میانگین ۲۳۷/۲۱ بیش از سایر شبکه‌ها مطالبات معترضان را در قالب لیبرال دموکراسی چهارچوب‌بندی کرده و بی‌بی‌سی کمتر از همه شبکه‌ها این چهارچوب را برای اعتراضات مصر به کار برده است، اما در بحران لیبی هیچ‌یک از شبکه‌های مورد بررسی از چهارچوب لیبرال دموکراسی/بیداری اسلامی استفاده زیادی نکرده‌اند و در آن، سی‌ان‌ان بیش از سایر شبکه‌ها و پرستی‌وی کمتر از همه شبکه‌ها مطالبات معترضان را در قالب لیبرال دموکراسی به تصویر کشیده‌اند. مهم‌ترین دلیل آن شاید تبدیل سریع اعتراضات خیابانی به جنگ داخلی و فراهم نشدن فرصت برای معترضان جهت طرح این مطالبات باشد.

جدول ۶. تفاوت میانگین شبکه‌های مورد بررسی و رویدادهای اعتراضی در چهارچوب لیبرال دموکراسی/بیداری اسلامی

سطح معناداری	F مقدار	برس تی وی	الجزیره	بی بی سی	سی ان ان		
۰/۰۰۰	۴۹/۹۵۱	۱۲/۸۷۱	۱۴/۱۲۲	۱۶/۰۴۵	۸/۹۲۳	بحرین	چهارچوب لیبرال دموکراسی
		۱/۵۰۴	۲/۹۴۱	۱/۹۲۳	۳/۶۱۷	لیبی	
		۲۱/۲۳۷	۱۷/۶۵۹	۱۰/۸۶۷	۱۹/۴۶۳	مصر	
۰/۰۰۰	۳۸/۱۹۴	۱۳/۶۹۶	۵/۸۲۱	۸/۰۲۲	۲/۵۳۰	بحرین	چهارچوب بیداری اسلامی
		۱۰/۵۹۰	۳/۰۰۵	۲/۰۵۴	۲/۳۳۱	لیبی	
		۷/۱۳۸	۶/۴۸۸	۴/۶۳۳	۵/۳۶۹	مصر	

چهارچوب بیداری اسلامی: داده‌های جدول شماره ۶ حاکی از اختلاف چشمگیر پرس تی وی با دیگر شبکه‌ها در چهارچوب بیداری اسلامی است. در اعتراضات بحرین، پرس تی وی با میانگین ۶۹۶/۱۳ و سی ان ان با میانگین ۵۳/۲ به ترتیب بیشترین و کمترین استفاده را از چهارچوب بیداری اسلامی داشته‌اند. پرس تی وی در مورد تحولات مصر و لیبی نیز به مراتب بیش از سه شبکه دیگر از چهارچوب بیداری اسلامی استفاده کرده و بی بی سی کمتر از همه شبکه‌ها، اعتراضات مصر و لیبی را در چهارچوب بیداری اسلامی پوشش داده است.

اجزای بیداری اسلامی

یافته‌های تحقیق) جدول ۷ حاکی از این است که بین شبکه‌های جریان اصلی و ضدجریان از نظر اجزای بیداری اسلامی (اسلامی بودن و ضدامریکایی/ضدغربی بودن) تفاوت معناداری در سطح یک درصد وجود دارد.

جدول ۷. تفاوت میانگین جریان‌های خبری از نظر شاخص چهارچوب‌های بیداری اسلامی

تعداد	اسلامی	ضدامریکایی/ضدغربی	
۱۵۷۰	۳/۷۵۸۰	۲/۵۶۰۵	شبکه‌های جریان اصلی
۲۰۶۳	۶/۷۵۷۱	۶/۹۰۲۶	شبکه‌های ضدجریان
	-۷/۲۸۱	-۹/۷۱۲	T مقدار
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری

شبکه‌های جریان اصلی رویدادها را بیشتر در چهارچوب اسلامی پوشش داده‌اند و ضدامریکایی/ضدغربی را در درجه دوم اهمیت قرار داده‌اند، درحالی‌که چهارچوب ضدامریکایی/ضدغربی در شبکه‌های ضدجریان برجسته‌تر است.

جدول ۸. تفاوت میانگین شبکه‌های خبری از نظر شاخص چهارچوب‌های بیداری اسلامی

تعداد	اسلامی	ضدامریکایی/ضدغربی	
۱۱۵۲	۵/۳۹۹۳	۲/۹۶۸۸	الجزیره
۹۱۱	۸/۴۷۴۲	۱۱/۸۷۷۱	پرس
۸۴۲	۳/۸۰۰۵	۲/۵۴۱۶	سی‌ان‌ان
۷۲۸	۳/۷۰۸۸	۲/۵۸۲۴	بی‌بی‌سی
	۲۸/۵۱۳	۱۱۴/۰۱۷	F مقدار
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری

مقایسه میانگین‌های شبکه‌های مورد بررسی به لحاظ اجزای چهارچوب‌های بیداری اسلامی (جدول ۸) نشان می‌دهد در چهارچوب ضدامریکایی تفاوت میانگین بیش از همه به تفاوت پرس‌تی‌وی با سه شبکه دیگر مربوط می‌شود. میانگین پرس‌تی‌وی در این چهارچوب، بیش از چهار برابر میانگین هر یک از شبکه‌های دیگر است و سه شبکه دیگر تقریباً در وضعیت مشابهی قرار دارند. همچنین طبق این داده‌ها، چهارچوب ضدامریکایی برای پرس‌تی‌وی اولویت اول و برای سه شبکه دیگر در اولویت دوم قرار دارد.

پرس‌تی‌وی در هر سه رویداد اعتراضی، چهارچوب ضدامریکایی/ضدغربی، را بسیار بیشتر از دیگر شبکه‌ها به کار گرفته است، اما کمترین میزان استفاده از این چهارچوب در مورد بحرین به سی‌ان‌ان، در مورد مصر به الجزیره و در مورد لیبی به بی‌بی‌سی مربوط می‌شود. تفاوت میانگین شبکه‌ها به لحاظ چهارچوب اسلامی در رویدادهای سه‌گانه، معنادار است. پرس‌تی‌وی در هر سه رویداد بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده و کمترین میانگین در مورد بحرین و لیبی مربوط به سی‌ان‌ان و در مورد مصر مربوط به بی‌بی‌سی است.

جدول ۹. تفاوت میانگین شبکه‌های مورد بررسی و رویدادهای اعتراضی در چهارچوب اسلامی و ضدامریکایی/ضدغربی

سطح معناداری	F مقدار	پرس	الجزیره	بی‌بی‌سی	سی‌ان‌ان		
۰/۰۰۰	۲۳/۲۱۲	۹/۴۳۹	۴/۲۷۵	۸/۶۷۵	۳/۳۳۳	بحرین	اسلامی
		۳/۲۴۱	۲/۰۴۶	۱/۲۵۹	۱/۰۲۹	لیبی	
		۱۰/۶۱۲	۷/۷۱۴	۴/۶۹۳	۵/۸۱۷	مصر	
۰/۰۰۰	۳۲/۷۵۰	۱۲/۴۷۵	۵/۰۳۸	۴/۱۷۹	۰/۷۱۴	بحرین	ضدامریکایی/ضدغربی
		۱۳/۷۰۴	۲/۷۶۲	۲/۰۲۸	۲/۷۰۱	لیبی	
		۱۰/۴۰۸	۲/۶۶۷	۲/۷۲۰	۲/۷۷۴	مصر	

یافته‌های این مقاله با سنجش نحوه به‌کارگیری چهارچوب‌های عام و خاص به این پرسش‌ها پاسخ داده است:

الف- چهارچوب‌های عام و رسانه‌های جریان اصلی و ضدجریان؛ اولویت‌دهی یکسان

در مورد چهارچوب‌های عام می‌توان همانندی‌های زیادی میان جریان اصلی و ضدجریان مشاهده کرد. نکته اصلی این است که دو جریان در چهارچوب‌های عام از اولویت‌های یکسانی برخوردارند. مهم‌ترین چهارچوب‌ها در هر دو جریان عبارت‌اند از برخورد، نسبت دادن مسئولیت و اخلاقی. هرچند جریان اصلی و ضدجریان تفاوت معناداری در میزان استفاده از این چهارچوب‌ها دارند. به این معنا که شبکه‌های جریان اصلی از این چهارچوب‌ها بیشتر استفاده کرده‌اند. این نکته به‌ویژه در مورد چهارچوب برخورد صدق می‌کند.

بررسی رابطه شبکه‌ها و چهارچوب‌های عام نیز ضمن تأیید این نکات، واقعیت دیگری را روشن کرد مبنی بر اینکه تفاوت معنادار میان چهارچوب‌ها بیش از آنکه به اختلاف میان جریان اصلی و ضدجریان مربوط باشد به تفاوت میان شبکه‌ها برمی‌گردد.

با این تفاسیر، نمی‌توان تفاوت میان شبکه‌ها را در پوشش رویدادهای اعتراضی کشورهای عربی تنها بر اساس دسته‌بندی جریان اصلی و ضدجریان توضیح داد. چون در بسیاری از موارد، قرابت زیادی میان شبکه‌های قرار گرفته در یک گروه واحد (جریان اصلی یا ضدجریان) وجود ندارد. با وجود تفاوت معنادار میان چهار شبکه، آن‌ها در به‌کارگیری چهارچوب‌های عام برای پوشش خبری رویدادهای اعتراضی از اولویت‌های یکسانی برخوردار بوده‌اند؛ بنابراین، بر مبنای مفهوم سی‌ان‌ان‌زدگی توسو می‌توان تبعیت شبکه‌های ضدجریان را از جریان اصلی در اولویت‌دهی به چهارچوب‌ها استنباط کرد.

ب- چهارچوب‌های بیداری اسلامی/لیبرال دموکراسی؛ عملکرد متفاوت پرس در مقایسه با شبکه‌های جریان اصلی و ضدجریان

جریان اصلی و ضدجریان در استفاده از چهارچوب‌های لیبرال دموکراسی و بیداری اسلامی تفاوت زیادی دارند. با وجود این، در شبکه‌های هر دو جریان، رویدادها بیشتر در چهارچوب لیبرال دموکراسی پوشش داده شده‌اند تا بیداری اسلامی. شبکه‌های ضدجریان بیش از شبکه‌های جریان اصلی از چهارچوب لیبرال دموکراسی و بیداری اسلامی استفاده کرده‌اند. در چهارچوب بیداری اسلامی این نتیجه قابل‌درک است، زیرا پرس به‌عنوان یکی از شبکه‌های ضدجریان دارای نگاه متفاوت به رویدادهای منطقه و در چهارچوب منافع سیستم حکومتی خود مروج رویکرد آن است. به همین علت به‌تبع رهبران کشور، تحولات منطقه را در چهارچوب بیداری اسلامی تعریف می‌کند. البته نتایج نشان می‌دهد که در چهارچوب لیبرال دموکراسی این تفاوت بیشتر ناشی از تفاوت میان بی‌بی‌سی و دیگر شبکه‌ها و در بیداری اسلامی منتج از تفاوت پرس‌تی‌وی با سه شبکه دیگر است. با این حال، در چهارچوب لیبرال دموکراسی، پیش‌افتادگی پرس از دیگر شبکه‌ها قابل‌تأمل است. این امر می‌تواند از سویی با نحوه ارائه محتوا و از سوی دیگر با این مسئله در ارتباط باشد که احتمالاً پرس‌تی‌وی در مجموع

بیش از سایر شبکه‌ها بر مطالبات معترضان تأکید کرده است یا سایر شبکه‌ها کمتر از پرس‌تی‌وی به دنبال طرح مطالبات به صورت آشکار بوده‌اند. البته با توجه به صفت «دموکراسی خواهان» که از سوی این شبکه‌ها به معترضان داده می‌شد، می‌توان به این نتیجه رسید که لیبرال دموکراسی از سوی شبکه‌های جریان اصلی به‌عنوان مفروضی بدیهی تلقی شده که اساس اعتراض را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین، تمرکز آن‌ها بیشتر متوجه پوشش رویداد است تا طرح این مسئله که مخاطبان چه می‌خواهند.

بررسی اجزای چهارچوب بیداری اسلامی نشان می‌دهد که شبکه‌های جریان اصلی رویدادها را بیشتر در چهارچوب اسلامی پوشش داده‌اند تا ضدامریکایی/ضدغربی، درحالی‌که چهارچوب ضدامریکایی/ضدغربی در شبکه‌های ضدجریان برجسته‌تر است.

با توجه به تمام این نکات، نمی‌توان درباره تمایز یا یکسانی شبکه‌ها به صورت مطلق سخن گفت. داده‌هایی که از این مطالعه به دست آمدند، همه نشان‌دهنده این واقعیت‌اند که عملکرد شبکه‌ها در هر یک از چهارچوب‌های عام و خاص می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلف بسیار مشابه یکدیگر یا متفاوت از هم باشد. با توجه به مباحث مطرح شده، می‌توان فرضیه تحقیق را به صورت زیر مطرح کرد:

«با وجود تفاوت در نظام مالکیت و ایدئولوژی، شبکه‌های ضدجریان (پرس‌تی‌وی و الجزیره) در چهارچوب‌های عام (ویژگی‌های کلی پوشش) از شبکه‌های جریان اصلی تبعیت می‌کنند و در مقابل در چهارچوب‌های خاص (موضوع محور) با شبکه‌های جریان اصلی تفاوت دارند.»

نتیجه‌گیری

دغدغه پژوهش حاضر، دغدغه چندین دهه‌ای کشورهای درحال توسعه برای مقابله با تولیدات رسانه‌ای، به‌خصوص رسانه‌های خبری، کشورهای توسعه‌یافته و ارائه روایتی دیگر از رویدادهاست. درواقع، هدف اصلی رسانه‌های کشورهای درحال توسعه، تمایزبایی از رسانه‌های کشورهای توسعه‌یافته به‌واسطه ارزش‌ها و ایدئولوژی مختص به خود است. تأسیس پرس‌تی‌وی، تلاشی برای بازنمایی وقایع جهان مطابق با جهان‌بینی نظام جمهوری اسلامی و در ادامه تلاش‌های کشورهای درحال توسعه بوده است. پس از چندین دهه به نظر می‌رسد کشورهای درحال توسعه به لحاظ سخت‌افزاری موفق به برداشتن گام‌هایی در جهت برطرف ساختن دغدغه خود در قبال جریان نابرابر اخبار شده‌اند، اما ارزیابی‌های پراکنده نشان می‌دهد که به لحاظ نرم‌افزاری این دغدغه همچنان پابرجاست، زیرا رسانه‌های ایجادشده توسط کشورهای درحال توسعه، هنوز به لحاظ دستور کار و چهارچوب‌بندی وقایع تحت تأثیر رسانه‌های کشورهای توسعه‌یافته قرار دارند (بحث سی‌ان‌ان زدگی، پرس‌تی‌وی و الجزیره به‌عنوان نمونه‌های ضدجریان که هدف خود را ارائه تصویری متفاوت از رویدادهای جهان می‌دانند، با این وضعیت دست‌به‌گریبان‌اند. با این وصف، در صورتی‌که بحث سی‌ان‌ان زدگی در مورد این شبکه‌ها مصداق داشته باشد، به معنای شکست

تلاش‌های کشورهای درحال توسعه برای ایجاد تعادل در جریان اخبار و اطلاعات میان شمال و جنوب است. به همین دلیل، بحث سی‌ان‌ان زدگی در ارتباط با پوشش رویدادهای اعتراضی کشورهای عربی در شبکه‌های جریان اصلی (بی‌بی‌سی ورلد و سی‌ان‌ان) و ضدجریان (پرس‌تی‌وی و الجزیره) مورد کنکاش قرار گرفت تا نشان دهد که آیا این متابعت در مورد شبکه‌های ضدجریان وجود دارد؟ آیا می‌توان در مورد پوشش رویدادهای اعتراضی کشورهای عربی از جریان و ضدجریان سخن گفت؟

با تکیه بر داده‌هایی که از بررسی چهارچوب‌های عام به دست آمده، می‌توان از اولویت‌های یکسان شبکه‌های چهارگانه فوق با تکیه بر مفهوم سی‌ان‌ان زدگی توسو، تبعیت شبکه‌های ضدجریان از جریان اصلی را نتیجه گرفت. به این ترتیب فرضیه تحقیق مبنی بر تبعیت و الگوگیری شبکه‌های ضدجریان از جریان اصلی علی‌رغم ادعای متفاوت بودن خود این شبکه‌ها تقویت می‌شود.

در عین حال، بررسی داده‌ها به تفکیک شبکه‌ها نشان داد که نمی‌توان در مورد رویدادهای اعتراضی کشورهای عربی به سادگی جریان و ضدجریان را از یکدیگر متمایز کرد. در واقع، به دلیل اختلاف منافع کشورهایی که موطن شبکه‌های چهارگانه مورد بررسی محسوب می‌شوند، نمی‌توان از رویکرد متمایز جریان اصلی و ضدجریان در این اعتراض‌ها سخن گفت، بلکه باید به دنبال شناسایی رفتار متمایز هر یک از شبکه‌ها در مورد رویدادهای اعتراضی کشورهای عربی بود.

در مجموع می‌توان گفت رفتار شبکه‌های خبری ضدجریان در چهارچوب‌های عام تا حد زیادی متأثر از شبکه‌های جریان اصلی است، ولی در چهارچوب‌های خاص نمی‌توان با قاطعیت در مورد تأثیر یا عدم تأثیر جریان اصلی بر ضدجریان سخن گفت، بلکه ترکیبی از عوامل چون خط‌مشی‌های رسانه‌ای، ساختار مالکیت و نیز با درجه تعیین‌کنندگی بیشتر، رویکرد کشورهای مبدأ شبکه‌ها در نحوه پوشش رویداد اثرگذارند.

References

1. Aday, Sean; Livingston, Steven; Hebert, Maeve (2005), "Embedding the Truth A Cross-Cultural Analysis of Objectivity and Television Coverage of the Iraq War". **The Harvard International Journal of Press/Politics**, vol. 10, No.1, Pp. 3-21.
2. Aslı, Bâli (2011), "A Turkish Model for the Arab Spring?", **Middle East Law and Governance**, Vol. 3, No. 1-2, Pp. 24-42.
3. Bahador Babak (2011), "Did the Global War on Terror end the CNN effect?", **Media, Conflict and War**, Vol. 4, No.1, Pp.37-54.
4. BBC (2004), key facts television center, BBc.co.uk,05/2004, online: http://www.bbc.co.uk/pressoffice/keyfacts/stories/television_centre.shtml
5. Buist, Ernest A.; Mason Daniel S. (2010), "Newspaper Framing and Stadium Subsidization", **American Behavioral Scientist**, Vol.53, No.10, Pp. 1492–1510.

6. Camaj, Lindita (2010), "Media framing through stages of a political discourse: International news agencies' coverage of Kosovo's status negotiations", **The International Communication Gazette**, Vol. 72, No. 7, Pp. 635–653.
7. Cheesman, Tom; Nohl, Arnd-Michael (2011), "Many voices, one BBC World Service? The 2008 US Elections, Gatekeeping and Trans-editing", **Journalism**, Vol. 12, No.2, Pp. 217-233.
8. Cherkaoui, Tarek (2010), **Orientalism, Pan-Arabism, and military-media warfare: a comparison between CNN and Aljazeera**, A thesis presented in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Communication at ATU University.
9. Coll, Steve (2011). "The Second Tunisian Revolution: A New Model of Change for a New Generation"; In, Perspectives on the Arab Spring; May 26th meeting of the International Board of the U.S", **Middle East Project**, Accessible in: <http://www.usmep.us/usmep/wp-content/uploads/> **HYPERLINK** "http://www.usmep.us/usmep/wp-content/uploads/2011-18-USMEPolicy-".
10. Dadush, Uri; Michele Dunne (2011), "American and European Responses to the Arab Spring: What's the Big Idea?", **The Washington Quarterly**, Vol. 34, No.4, Pp. 131-145.
11. De Vreese, Claes H. (2005), "News framing: Theory and typology", **Information Design Journal**, Vol. 13, No. 1, Pp. 48-59.
12. Dimitrova, Daniela V.; Kaid, Lynda Lee; Williams, Andrew Paul; Trammell, Kaye D. (2005), War on the Web, by the President and the Fellows of Harvard College, 22-44.
13. Donsbach, Wolfgang (2008), **The International Encyclopedia of communication**; Oxford: Blackwell Publishing Ltd.
14. El-Nawawy, Mohammed; Adel, Iskandar (2002), **Al-Jazeera: How the Free Arab News Network Scooped the World and Changed the Middle East**, Cambridge, Westview Press.
15. Entman, Robert M. (2008), "Theorizing Mediated Public Diplomacy: The U.S. Case", **Press/Politics**, Vol.13, No.2, Pp.87-102.
16. Fahmy, Shahira (2010), "Contrasting visual frames of our times: A framing analysis of English- and Arabic-language press coverage of war and terrorism", **International Communication Gazette**, Vol. 72, No. 8, Pp. 695-717.
17. Gitlin, Todd (1980), **The whole world is watching: Mass media and the making and unmaking of the new left**, Berkeley, CA: University of California Press.
18. Hamzawy, Amr (2005), "Understanding Arab Political Reality: One Lens Is Not Enough", **Carnegie Endowment for International Peace**, Accessible in: www.CarnegieEndowment.org.
19. Iyengar, Shanto (2005), "Speaking of Values: The Framing of American Politics", **The Forum**, Vol. 3, No.3, Pp. 1-9.
20. Kinninmont, Jane (2011), "Bahrain: Unresolved Divisions"; In, **The Arab Spring: Implication for British Policy**, Conservative Middle East Council, Chapter 8, Pp.32-36.

21. Lai Fong, Nicole Yang (2009), "Framing Analysis of a Conflict: War / Peace Journalism", **The Journal of the South East Asia Research Center for Communications and Humanities**. Vol. 1 No. 1, Pp 17-32.
22. Lee-Wright, Peter (2008), "Virtual News: BBC News at a 'Future Media and Technology' Crossroads", **Convergence**, Vol. 14, No.4, Pp. 249-260.
23. McNair, B. (1996), **News and journalism in the UK**, A textbook (2nd Ed.), London: Routledge.
24. Media Environment Guide: Iran (2009), A guide to Iranian media and broadcasts to Iran, Accessible in:
25. Park, Jowon (2003), "Contrasts in the Coverage of Korea and Japan by US Television Networks A Frame Analysis; A Frame Analysis", **The International Communication Gazette**, Vol. 65, No. 2, Pp. 145-164.
26. Powers, Shawn; el-Nawawy, Mohammed (2009), "Al-Jazeera English and global news networks: clash of civilizations or cross-cultural dialogue?", **Media, War & Conflict**, Vol. 2, No. 263, Pp.263-284.
27. Rai, Mugdha; Cottle, Simon (2007), "Global mediations: On the changing ecology of satellite television news", **Global Media and Communication**, Vol. 3, No. 1, Pp. 51-78.
28. Open Source Center Media Aid (2009), This OSC product is based exclusively on the content and behavior of selected media and has not been coordinated with other, US Government components/UNCLASSIFIED
29. Rogan, Eugene (2011), "Regional Overview"; In, **The Arab Spring: Implication for British Policy**", Conservative Middle East Council, chapter 1, Pp. 4-8.
30. Ruigrok, Nel; Wouter, van Atteveldt (2007), "Global Angling with a Local Angle: How U.S. British, and Dutch Newspapers Frame Global and Local Terrorist Attacks", **Press/Politics**, Vol. 12, No. 1, Pp. 68-90.
31. Semetko, Holli A.; Valkenburg, Patti M. (2000), "Framing European Politics: A Content Analysis of Press and Television News", **Journal of Communication**, Vol. 50, No. 2, Pp. 93-109.
32. Snider, Erin A; Faris, David M. (2011), "The Arab Spring: U.S. Democracy Promotion in Egypt" **Middle East Policy**, Vol. 18, No. 3, Pp. 49-62.
33. Song, Yonghoi (2007), "Internet news media and issue development: a case study on the roles of independent online news services as agenda builders for anti-US protests in South Korea ", **new media & society**, Vol. 9, No 1, Pp. 71-92.
34. Sorenson, David S. (2011), "Transitions in the Arab World: Spring or Fall?" **Strategic Studies Quarterly**, Vol. 4, No. 3, Pp. 22-50.
35. Thussu, Daya Kishan (2003), **Live TV and bloodless deaths: war, infotainment and 24/7 news**, In: Thussu, Daya Kishan and Freedman, Des, (eds.) **War and the media: reporting conflict 24/7**, UK, London: Sage, Pp. 117-132.
36. Yang Jin (2003), "Framing The NATO Air Strikes on Kosovo across Countries Comparison of Chinese and US Newspaper Coverage", **Gazette: the International Journal for Communication Studies**, Vol. 65, No. 3, Pp. 231-249.

37. Yom, Sean L. (2005), "Civil Society and Democratization in the Arab World", **Middle East Review of International Affairs**, Vol. 9, No. 4, Pp. 14-33.
38. Wahl-Jorgensen, Karin; Hanitzsch, Thomas (2008), **The handbook of journalism studies**
39. Montuori, Alfonso(2000). TOWARDS AN EDUCATION FOR A PLANETARY CULTURE, California Institute of Integral Studies in original A. Montuori (2000). **Verso un educazione per una cultura planetaria**. [Towards an education for a planetary culture.] Pluriverso, 4-2000, 96-107.
40. Ibrahim, Saad Eddin (1997) 'State, Women, and Civil Society: An Evaluation of Egept's Population Policy'; In, **Arab society: class, gender, power, and development**, ed., Nicholas S. Hopkins; New York: The American University in Cairo Press; pp.85-105.
41. Garyantes, Dianne M.; Murphy, Priscilla J. (2010) 'Success or Chaos? Framing and ideology in news coverage of the Iragi national elections', **International Communication Gazette**, Vol.72, No.2, P.p.151-170.
42. Gilboa, Eytan (2008), Searching for a Theory of Public Diplomacy, 616 **ANNALS AM. ACAD. POL. & SOC. SCI.** 55